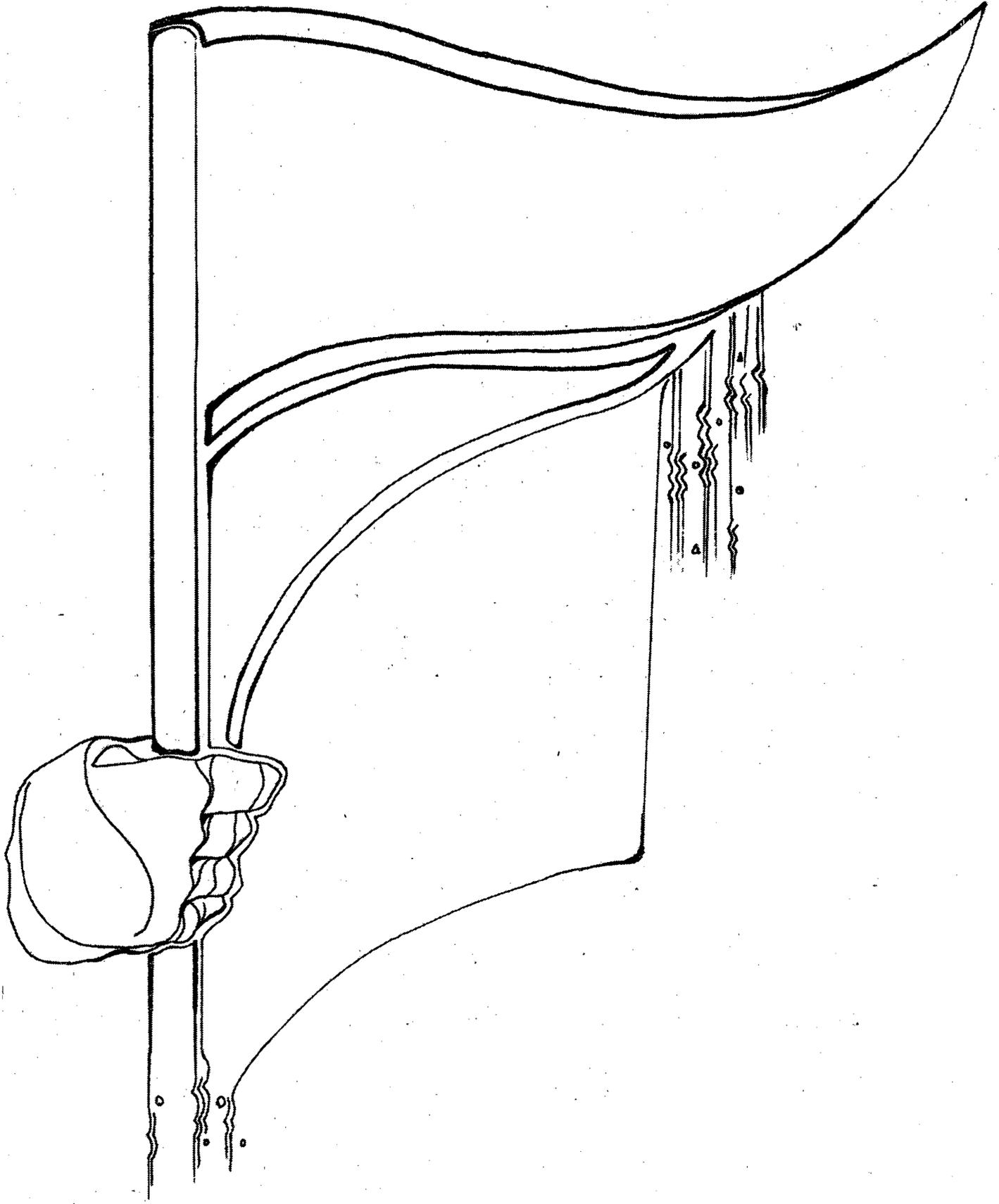


اعتقاد



## قائم آل محمد [عج]

دبلیو. مادلانگ

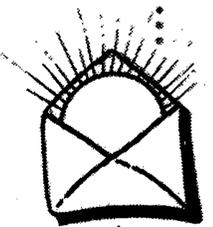
مترجم: بهروز جندقی

“قائم آل محمد” در اصطلاح شیعه، معمولاً به مهدی اشاره دارد. واژه قائم، قیام کننده در محافل شیعه حداقل از اوائل قرن دوم هجری/هشتم میلادی به بعد برای اشاره به فردی از خاندان پیامبر به کار رفته که انتظار می رود که در برابر رژیم های نامشروع قیام کند و عدل را بر روی زمین احیا نماید. ظاهراً این واژه در مقابل قاعد یا اعضای “نشسته” خاندان است که از کشیده شدن به کارهای مخاطره آمیز شورش نظامی اجتناب می کردند.<sup>(۱)</sup> از این رو، این واژه اغلب به صورت قائم بالسیف تعبیر شده؛ یعنی “کسی که با شمشیر قیام خواهد کرد.” هم چنین اغلب به صورت قائم بأمر الله نیز تعبیر می شود که به معنی “کسی است که به امر خداوند جامه عمل خواهد پوشاند.” با این مفهوم اخیر، واژه مذکور را در مورد هر امامی می توان به کار برد. به همین جهت برخی احادیث امامیه تأکید می کنند که هر امامی قائم زمان خویش است (قائم اهل زمانه). اما این واژه در مفهوم خاص خود به مهدی مرتبط با معاد مربوط می شود که به همین جهت گاه او را قائم الزمان و بطور رایج تر، صاحب الزمان یعنی “فرمانروای عصر (نهایی)” می نامند. فرقه های مختلف و نخستین شیعه منتظر بودند که آخرین امام مورد قبول آن ها، که معمولاً رحلت او را نفی

می کردند، در نقش قائم باز گردد. فرقه های امامیه و اسماعیلیه به طور وسیعی واژه قائم را به جای مهدی به کار برده اند.

در میان امامیه، که امامان آن ها، به ویژه از [امام] جعفر صادق به بعد، به عنوان یک اصل از درگیر شدن در فعالیت های انقلابی خودداری می کردند، روایات متعددی در رابطه با قیام امام قائم منتظر، نشانه های (علامات) ظهور او، و اعمال و رفتار او نقل

● برخی احادیث امامیه تأکید می کنند که هر امامی قائم زمان خویش است (قائم اهل زمانه). اما این واژه در مفهوم خاص خود به مهدی مرتبط با معاد مربوط می شود که به همین جهت گاه او را قائم الزمان و بطور رایج تر، صاحب الزمان یعنی “فرمانروای عصر (نهایی)” می نامند



شده است. پس از رحلت امام یازدهم، امام دوازدهم یعنی امام غایب به عنوان قائم شناخته شد که با ظهور خود پیش‌بینی‌های مربوط به اعمال و معجزات خود را تحقق خواهد بخشید. در عقاید امامیه بین نشانه‌های اجتناب‌ناپذیر (محتومه) آمدن قائم و نشانه‌های مشروط (مشرطه)، که ممکن است از جانب خداوند لغو شوند، تمایز قایل شده‌اند. در روایات درباره نشانه‌های محتوم اتفاق نظر کامل وجود ندارد. آنچه غالباً ذکر شده است عبارت است از:

۱. مردی یمانی در یمن ظهور می‌کند و همگان را به یاری قائم فرا می‌خواند.
۲. مردی به نام سفیانی در وادی خشک (الوادی الیابس) در ماه رجب و در همان سال ظهور قائم قیام میکند، دمشق و ۵ استان سوریه را فتح می‌کند<sup>(۲)</sup> و سپس به دست قائم کشته می‌شود.
۳. یک صدا (ندا یا صیحة) از آسمان نام قائم را صدا می‌زند.
۴. ارتشی که سفیانی علیه قائم اعزام می‌کند در بیابان (بیداء) نابود می‌شود (خسف).
۵. روح پاک (نفس زکیه)، که قائم او را به عنوان سفیر خود عازم مکه خواهد کرد، بین رکن و مقام به دست مکیان کشته می‌شود.

در اعتقادات امامیه، در رابطه با آمدن قائم، مفهوم رجعت وجود دارد، که به معنی زنده شدن برخی از افراد پلید و مؤمنین نسل‌های گذشته است به این ترتیب فرصتی به مؤمنین داده می‌شود تا انتقام صدماتی را که قبلاً متحمل شده‌اند بگیرند. انتظار می‌رود که قائم از مکه حرکت خود را آغاز کند، جایی که او در همان جا ساکن شده و بر جهان حکومت خواهد کرد.<sup>(۳)</sup> طبق یکی از روایات

معتبر، حکومت او هفت سال به طول خواهد انجامید که هر سال آن معادل ده سال عادی خواهد بود. طبق روایتی دیگر، او نوزده سال حکومت خواهد کرد.<sup>(۴)</sup> اگرچه برخی روایات از حکومت فرزند قائم سخن می‌گویند، اما اکثر آن‌ها تصریح می‌کنند که پس از رحلت قائم تا قیامت و روز رستاخیز فقط ۴۰ روز ناآرامی خواهد بود.<sup>(۵)</sup>

● در اعتقادات امامیه، در رابطه با آمدن قائم، مفهوم رجعت وجود دارد، که به معنی زنده شدن برخی از افراد پلید و مؤمنین نسل‌های گذشته است به این ترتیب فرصتی به مؤمنین داده می‌شود تا انتقام صدماتی را که قبلاً متحمل شده‌اند بگیرند.



در اعتقاد اسماعیلیه بعد دیگری به مفهوم قائم اضافه شده و او را قائم القیامة نامیده‌اند، که به عنوان قاضی انسان‌ها عمل خواهد کرد، و مقامی بسیار عظیم و برتر از پیامبران و امامان به او نسبت می‌دهند.<sup>(۶)</sup> (جهت اطلاع از جزئیات به تعالیم اسماعیلیه مراجعه کنید).  
در عقاید دروزیه، حمزه بن علی را قائم الزمان شناخته‌اند.<sup>(۷)</sup> (به دروز "duruz" مراجعه کنید).

### (دبلیو. مادلانگ)

#### منابع:

۱. در مورد احادیث امامیه و عقاید آن خصوصاً به منبع زیر مراجعه کنید: نعمانی، الغیبة، تهران ۱۳۱۸ ابن بابویه، اکمال الدین، تهران ۱۳۰۱، ص ۳۶۴ و صفحات بعد.
۲. موجان مومن، درآمدی بر اسلام شیعی، نیوهون ۱۹۸۵، ضمیمه اچ هالم، Die ilamische Gnosis.
۳. همان نویسنده، Die Schia، دارم استات ۱۹۸۸، ضمیمه.
۴. عبدالعزیز ای. ساشادینا، سلطان عادل در اسلام شیعی، آکسفورد ۱۹۸۸، صص ۵۱-۵۴.

#### ملاحظات: علی اکبر مهدی پور

۱. استظهار نویسنده کاملاً بی‌مورد است، زیرا به طوری که ملقب شدن امام چهارم به «سجاد»، امام پنجم به «باقر»، امام ششم به «صادق»، امام هفتم به «کاظم»، امام هشتم به «رضا»، امام نهم به «جواد»، امام دهم به «هادی» و امام دوازدهم به «مهدی» هیچ مفهوم مخالفی در مورد سایر امامان ندارد، ملقب شدن آن حضرت به «قائم» نیز مفهوم مخالف ندارد، بلکه در دهها حدیث تصریح شده که همه آن‌ها «قائم» هستند. ر.ک. بحارالانوار، ج ۱۰، ص ۳۵؛ ج ۳۶، ص ۴۱۶؛ ج ۶۱، ص ۳۸؛ ج ۹۱، ص ۱۹۸؛ ج ۹۵، ص ۲۳۱.
۲. بهتر است ۵ منطقه شامات تعبیر شود، زیرا سفیانی بر فلسطین و اردن نیز سیطره پیدا می‌کند [کمال الدین، ج ۲، ص ۶۵۱] و تعبیر سوریه شامل آن‌ها نمی‌شود.
۳. مکه معظمه محل خروج و قیام حضرت بقیة الله (عج) می‌باشد و مرکز حکومت آن حضرت نیست، پایتخت دولت کریمه بی‌گمان «کوفه» می‌باشد. ر.ک. بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۱۱؛ فصلنامه انتظار، ش ۸ و ۹، ص ۲۶۶.
۴. بر اساس روایت صحیحه مدت حکومت حضرت مهدی (عج) ۳۰۹ سال می‌باشد. ر.ک: منتخب الاثر، ج ۳، ص ۱۸۹.
۵. بر اساس صدها روایت پیرامون رجعت. که ۵۲۰ حدیث شیخ حر عاملی در کتاب الايقاظ نقل کرده. بعد از حکومت حضرت بقیة الله (عج) امام حسین (ع) ۵۰/۰۰۰ سال [فصلنامه انتظار، ش ۸ و ۹، ص ۲۷۰] و امیرمؤمنان (ع) ۴۴۰۰۰ سال فرمانروایی خواهند نمود. [الايقاظ، ص ۳۳۸] روی این بیان این چهل روز مربوط به وفات دوم حضرت مهدی (عج) در عالم رجعت می‌باشد.
۶. در میان بیش از یک هزار نام، لقب، وصف و عنوان که در احادیث پیرامون حضرت بقیة الله (عج) آمده، عنوان «قائم القیامة» به دست ما نرسیده، این عنوان با آن عقاید باطله، از مختصات اسماعیلیه است. ر.ک: الامامة و قائم القیامة، ص ۲۱۸ از دکتر مصطفی غالب؛ راحة العقل، ص ۵۱۲، از احمد حمید الدین کرمانی.
۷. «قائم الزمان» از القاب امام عصر (عج) می‌باشد، چنان‌که خود به ابوجعفر ازدی فرمود: «انا قائم الزمان». ر.ک: غیبت طوسی، ص ۲۵۳؛ کمال الدین، ج ۲، ص ۴۴۴.

